

# امنیت متعالیه

## نجف لکزایی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۶/۱۳

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره پنجم
- تابستان ۹۳

امنیت متعالیه  
(۷ تا ۲۸)

### چکیده

محور اصلی مقاله حاضر تشریح مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مکتب امنیتی متعالیه و توضیح مبانی نظری آن است. مکتب امنیتی متعالیه، به مثابه یک نظریه اسلامی امنیت مدنظر می‌باشد. این مقاله با رویکرد نظریه‌پردازی و روش استنباطی - استنادی، پاسخ پرسش «نظریه امنیت اسلامی چیست» را بررسی و ارائه می‌کند. مبنای مفهومی و نظری مباحث مقاله، نظریه دو فطرت است. بر این اساس، ویژگی‌های نظریه امنیت متعالیه در محورهای مفهوم امنیت، ابعاد امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت، دوست و دشمن، روش‌های تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی تبیین شده است.

### واژه‌های کلیدی:

امنیت، امنیت متعالیه، امنیت متدانیه، فطرت مخموره و فطرت محجوبه.

## مقدمه

از نیمه دوم قرن بیستم تا کنون، پیوسته مطالعات امنیتی در سطح جهان، در حال گسترش بوده است. در ایران هم، هرچند با تأخیر، حدود دو دهه است که به این رشته مطالعاتی توجه شده است. دلیل این اقبال جهانی به این موضوع واضح است. انحطاط امنیتی حاکم بر جهان، که در دو جنگ عالم گیر اول و دوم و دهها جنگ بزرگ و کوچک خود را نشان داد و نیز استبداد و استعمار حاکم بر بسیاری از کشورها، که انقلابها، قیامها و جنبشهای فراوانی را به دنبال داشت، نخبگان سیاسی و فکری را به تأمل و چاره‌جویی واداشته است. نظریه‌پردازی در زمینه «امنیت» با توجه به اینکه حوزه مطالعات امنیتی، با پدیده «امنیت» به مثابه امری هنجاری سروکار دارد، به شدت آغشته به زمینه‌های ارزشی و بومی است و جز در سطح یافته‌های سخت‌افزاری قابل اقتباس و بهره‌برداری نیست؛ از این رو مراجعه به سنت مطالعات امنیتی در علوم اسلامی امری لازم بوده و بازشناسی، بازسازی و نوسازی آن، متناسب با شرایط و اقتضائات ارزشی و کنونی جهان، به منظور ارائه راهکارهایی برای خروج جهان و به‌ویژه جهان اسلام از انحطاط امنیتی، از طریق ارائه مکتب امنیتی اسلام، ضروری است.

علی‌رغم اینکه مطالعات امنیتی در علوم اسلامی دارای پیشینه متنوع و عمیقی است، به‌گونه‌ای که می‌توانیم بگوییم دارای شاخه‌ها و گرایش‌های متعددی است، با این حال، امروز جای نظریه‌ای اسلامی در حوزه مباحث امنیتی خالی است. امروزه نظریه‌های مطرح در حوزه امنیت غالباً غیراسلامی و حتی غیردینی است؛ برای مثال تمامی نظریه‌های مطرح شده در کتاب‌های نظریه‌های امنیت، که از کتب مهم و مورد استفاده در مراکز مطالعات امنیتی در ایران است، غیر اسلامی است. (رک: عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹؛ جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۱) نظر به خلأ مذکور، این مقاله عهده‌دار استنباط و ارائه نظریه امنیت متعالیه، به مثابه یک نظریه امنیت اسلامی، به لحاظ فلسفی مبتنی بر حکمت متعالیه و به لحاظ منابع مستند به منابع اسلامی است. نگارنده پیش از این و در مقاله‌های دیگری برخی از ابعاد این نظریه، به‌ویژه ابعاد فلسفی و نظری آن را بررسی کرده است. (رک: منابع مقاله حاضر) در این مقاله بنابر اختصار است؛ لذا مباحثی که در آن مقالات آمده در فهم بهتر این نظریه راهگشا و مؤثر می‌باشد. همچنین ادبیات تولید شده در زمینه «سیاست متعالیه» (رک: کتابنامه مقاله) از دیگر پشتوانه‌های نظری این مقاله است.

## چارچوب مفهومی و نظری

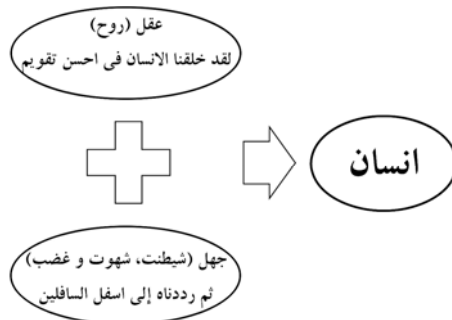
نظریه دو فطرت و مفاهیم متخذ از آن، مبنای نظریه امنیت متعالیه است. بر اساس چارچوب مفهومی و نظری دو فطرت، که امام خمینی ارائه کرده‌اند، در حوزه علوم انسانی و از جمله در حوزه علوم و مکاتب امنیتی، از دو الگوی کلان فکری و اندیشه‌ای می‌توانیم

سخن بگوئیم: «الگوی متعالیه» که محصول جنود عقل و مبتنی بر فطرت مخموره می‌باشد و وحدت دارد و «الگوهای متدانیه یا متعارف» که محصول جنود جهل و فطرت مججوبه است و کثرت دارد. در «الگوی متدانیه» تمام تلاش‌ها مصروف بقای دنیوی است، در حالی که در «الگوی متعالیه و الهی» بقای دنیوی مقدمه بقای ابدی در نظر گرفته می‌شود. همین مسئله تفاوت جوهری دو نگاه در باب امنیت را نشان می‌دهد که باعث می‌شود تمامی عناصر دو مکتب نیز از یکدیگر متفاوت شوند. پیش از ارائه توضیح درباره چارچوب نظری، جدول ذیل برای نمایش سیمای کلان چارچوب نظری قابل توجه است.

ردیف	الگوی کلان فکری و نظریه‌پردازی	کاربرد در حوزه علوم انسانی	کاربرد در حوزه علوم امنیتی	نمونه مکاتب و نظریه‌های امنیتی
۱	الگوی متعالیه / اسلامی / دنیا مزرعه و مقدمه آخرت است	علوم انسانی متعالیه (عقباگرا) الهی / اسلامی	علوم امنیتی متعالیه؛ بقای دنیوی مقدمه بقای اخروی و ابدی و لقاء الله است	مکتب امنیتی متعالیه
۲	الگوی متدانیه / سکولاریستی / دنیا قطع نظر از آخرت موضوع مطالعه است.	علوم انسانی متدانیه (دنیا گرا)	علوم امنیتی؛ فقط بقای دنیوی موضوع مطالعه است.	مکتب امنیتی رئالیستی مکتب امنیت ایدآلیستی مکتب امنیتی کپنهاک و...

با توجه به عدم آشنایی جامعه علمی با نظریه دو فطرت، فشرده آن را ذکر می‌کنیم. امام خمینی با استناد به حدیث جنود عقل و جهل، که از احادیث صحیح منقول از امام صادق (ع) است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ح ۱۴)، و با تکیه بر حکمت متعالیه، این نظریه را مطرح کرده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸) به نظر ایشان و با توجه به حدیث مذکور، خداوند متعال، به عنوان آفریدگار هستی، اولین مخلوق خود به نام عقل را از نور خودش و از سمت راست عرش آفرید و بعد از عقل، جهل را از دریای ظلمانی شور و تلخ، خلق کرد. عقل، تابع همه دستورهای خدا بود. خداوند به او خطاب کرد که برو، رفت، و فرمود برگرد، برگشت. اما جهل فقط از فرمان رفتن اطاعت کرد و از دستور برگشتن سر باز زد و استکبار ورزید و از رحمت خدا دور شد. به نظر امام خمینی، و با توجه به ادامه حدیث که انسان را برخوردار از جنود عقل و جهل دانسته است، انسان یک وجه عقلی دارد که همان روح الهی است که در او دمیده شده و سرانجام هم به سوی خدا باز می‌گردد، و یک وجه طبیعی و دنیایی دارد، یعنی شیطنت، شهوت و غضب (کنایه از دریای تاریک و شور و تلخ)، که از آن به جهل تعبیر شده است و از سوی خدای متعال برای این آفریده شده‌اند که جهت بازگشت عقل و روح به سوی خدا، در خدمت انسان باشند و به انسان کمک کنند؛ از این رو بر هر دو، عنوان فطرت صدق می‌کند، چون فطرت یعنی خلقت و این نیروها تماماً در آفرینش انسان از آغاز منظور شده‌اند، هر چند فعلیت آنها زمان می‌برد. البته لطف الهی باعث شده تا از

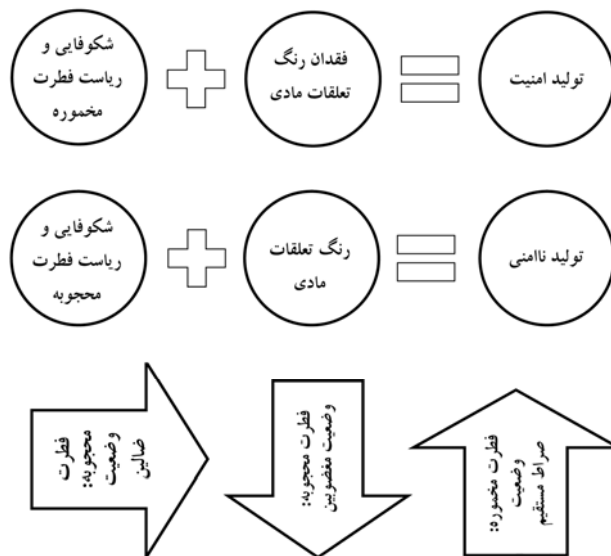
سوی خدا، دین برای محدود کردن قوای طبیعی انسان و کمک به تعالی عقل در اختیار بشر قرار گیرد؛ از این رو در حدیث آمده است: خیر عبارت است از فطرت مخموره، و شرّ عبارت است از فطرت محجوبه. حیث شرّ و جهل زمانی صدق می‌کند که وجه دنیایی انسان اصالت پیدا کند، یعنی قوای انسان به جای خدمت به عقل، به بعد طبیعی انسان خدمت کنند. (همان: ۷۸-۷۷)



بر مبنای دیدگاه امام خمینی، در تقسیم اولیه، فطرت به مخموره و محجوبه، و در تقسیم ثانویه، هر یک از این دو به اصلی و تبعی تقسیم می‌شود. (همان: ۸۰-۷۹) جدول و توضیحات زیر به فهم نظریه کمک می‌کند.

ردیف	انواع فطرت	درجه وجودی	رویکرد	گرایش	ماهیت	کارکرد	جایگاه وحی و رهبران الهی
۱	فطرت مخموره	عقل	وجهه به عالم غیب و روحانیت	اصولی	فطرت به عشق به کمال نامحدود	عمل براساس جنود عقل؛ اطاعت از رهبری الهی + باور به مبدأ و معاد + آراستگی به فضائل اخلاقی و عمل به واجبات فقهی	وحی معاضد عقل است.
				تبعی	فطرت تنفر از نقص حقیقی	اجتناب از جنود جهل؛ پرهیز از شیطان	اجتناب از طاغوت + پرهیز از شرک + پرهیز از ردائل اخلاقی و ترک محرّمات فقهی
۲	فطرت محجوبه	جهل	وجهه به عالم طبیعت	قوه شهوت	میل به محبوب‌های دنیایی	عشق به محبوب‌های غیر حقیقی دوری از محبوب حقیقی	عاشق شهرت و ثروت و... دوری از خدا و...
				قوه غضب	میل به قدرت‌های دنیایی	عشق به قدرت غیر حقیقی و دوری از قدرت حقیقی	عاشق سلطه و استکبار و... دوری از خدا و...
			قوه شیطنه	منشأ دانش و کاذب و وهمی	عشق به معرفت غیر حقیقی و تنفر از معرفت حقیقی	عاشق دروغ و نفاق و فریب دوری از صداقت و...	

از نظریه دو فطرت، نظریه یگانگی ذاتی تمام انسان‌ها و در نتیجه اختیار و قابلیت تربیت انسان و برنامه‌ریزی برای تحقق خواسته‌های الهی یا غیرالهی قابل استنباط است. اگر انسان با تکیه بر فطرت مخموره رو به آسمان داشته باشد و از باند زمین پرواز کند، از همه محدودیت‌ها رها می‌شود و چون محدودیتی نیست جنگی هم نخواهد بود؛ جنگ ریشه در توجه به دنیا دارد، زیرا خواسته‌های بشر نامحدود و امکانات مادی محدود است، لذا باعث نزاع و کشمکش می‌شود. (تفسیرسوره حمد: ۱۸۰-۱۷۹) نمودارهای زیر به فهم بهتر مطلب کمک می‌کند.



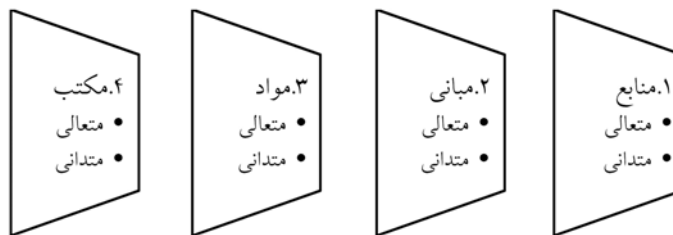
از این رو تربیت و عمل بر اساس فطرت ثانویه، یعنی فطرت محجوبه، بنیاد همه تهدیدها است. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۹۷) بر اساس نظریه دو فطرت، هشت نوع انسان قابل شناسایی است. این بحث و وجوه امنیتی آن در مقاله دیگری بحث شده است. (لک‌زایی، ۱۳۸۹)

### مؤلفه‌های مکتب امنیتی متعالیه

مراحل تدوین قوانین مربوط به امور مشترک میان انسان‌ها و از جمله قوانین امنیتی چنین است:

۱. قانون مشتمل بر مواد و تبصره‌های متعددی است؛
۲. مواد و تبصره‌ها از مبانی خاص استخراج می‌شوند؛
۳. مبانی مخصوص از منابع ویژه استنباط خواهند شد؛
۴. بدون پژوهش کامل درباره منابع، هرگز مبانی کارآمد استخراج نمی‌شوند؛

۵. بدون مبانی کارآمد، تدوین مواد و تبصره‌های راهگشا میسر نیست، از این رو قبل از تدوین «مواد» باید «مبانی» را یافت و پیش از یافتن مبانی باید «منابع» اصلی آنها را کشف کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۸) آنچه گفته شد در نمودار زیر تحت عنوان «مراحل تدوین نظریه‌ها و مکاتب امنیتی» به نمایش در آمده است.



یک نظریه و مکتب امنیتی از عناصر و مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده است؛ اما غالباً هفت عنصر و مؤلفه از اهمیت بیشتری برخوردار است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: مفهوم امنیت، ابعاد امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت، بحث خودی و غیرخودی، روش‌های تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی. با توجه به مبانی نظری پیش گفته، در ادامه محورهای هفت‌گانه، به صورت خلاصه، بیان می‌شود.

### مفهوم امنیت

از امنیت تعریف‌های مختلفی ارائه شده است، اما نه تنها تاکنون اجماعی در این باره در میان متخصصان امر امنیت شکل نگرفته است، بلکه حتی برخی آن را غیرقابل تعریف دانسته‌اند. همچنین برای این مفهوم معانی متعددی در متون اسلامی و از جمله قرآن و روایات ذکر شده است. با توجه به آنچه در منابع اسلامی آمده، امنیت همان‌طور که هیچ‌گاه از زمان - حال و آینده - جدا نمی‌شود، از مکان نیز جدا نمی‌گردد و برای درک اهمیت اعتبار مکان به عنوان عاملی اساسی در امنیت، باید به تفسیر علت اعطای صفت «امن» به برخی اماکن مقدس که خدا آن را حرم امن یا سرزمین امن نام نهاده است، توجه کنیم. (منجد، ۱۹۹۶؛ خلاصه این کتاب در: فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۳)

درک کامل مفهوم امنیت در منابع اسلامی، و از جمله قرآن، در گرو تحلیل آیات و روایاتی است که مفهوم امن و مشتقات آن و نیز واژه‌های مرتبط با این مفهوم در آنها به کار رفته است، که در این مجال اندک، به چند مورد اشاره شد. (رک: به فرهنگ قرآن و دائرةالمعارف قرآن) با توجه به آیات قرآن «امنیت» در ساده‌ترین معانی‌اش و به تعبیر دقیق‌تر در معنای لغوی، حالت طمأنینه و عدم خوفی است که هیچ‌کس از آن بی‌نیاز نیست؛ اما در

اینجا بیش از معنای لغوی، نیازمند بررسی و تعریف امنیت در معنای اصطلاحی هستیم. به نظر نگارنده، تعریف مفهوم امنیت ضروری است؛ اما این تعریف وقتی مفید و کارساز است که به نوع مفهوم توجه کنیم.

مفهوم امنیت، از مفاهیم سازه‌ای است. مفاهیم سازه‌ای در برابر مفاهیم بسیط به کار می‌رود. مفاهیم بسیط با تعریف‌های یک جمله‌ای قابل فهم هستند، بر خلاف مفاهیم سازه‌ای که هر قدر جملات بیشتری در تعریف بیاید بر پیچیدگی مفهوم می‌افزاید؛ برای مثال، اگر «راستی» را به «گفتار مطابق با واقع» تعریف کنیم برای همه قابل فهم است؛ اما اگر امنیت را به عدم خوف یا آرامش یا عدم تهدید یا حفظ ارزش‌ها تعریف کنیم، ابهام آن همچنان باقی است، چون بلافاصله از چیستی جواب پرسش می‌شود: اینکه ارزش چیست؟ تهدید چیست؟ و... . تعریف مفاهیم سازه‌ای باید از طریق ارائه سازه باشد. سازه امنیت سه وجهی است: می‌گوییم «الف» از تعرض «ب» مصونیت دارد تا به وضعیت «ج» برسد یا در وضعیت «ج» قرار بگیرد. حال، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه از تعرض «ب» مصونیت داشته باشد؟ بر اساس نظریه دو فطرت، دو وضعیت قابل تصور است:

۱. جنبه ایجابی: با انجام برخی فعالیت‌ها یا با آراسته شدن به برخی ویژگی‌ها یا با اعتقاد و باور به برخی از ارزش‌ها.
۲. جنبه سلبی: با ترک برخی کارها، با پرهیز از برخی از رذائل و طرد برخی از اعتقادات.

هر مکتب و نظریه امنیتی، این سازه را با نظام فرهنگی و ارزشی خودش بنا می‌کند. ما مفهوم امنیت را با بقای ابدی پیوند می‌زنیم، یعنی تقدیم ارزش‌های الهی بر ارزش‌های مادی. بنابراین انجام اقداماتی که بقای ابدی و لقا و رضای الهی در آن است و ترک هر کاری که خشم خدا در آن است و کسی هم در این مسیر متعرض ما نشود، چون برای انسان بقای ابدی مهم است؛ بنابراین هر نوع امنیتی به معنای دست‌یابی به وضعیتی است که «الف» از آسیب، تعرض و تهدید «ب» مصون باشد تا به «ج» برسد یا در وضعیت «ج» باشد.

### ابعاد امنیت

در میان مکاتب رایج امنیتی، برخی از مکاتب مانند رئالیست‌ها از ابعاد مضیق و برخی مانند مکتب کپنهاک از ابعاد موسع امنیت دفاع کرده‌اند. امنیت مضیق یعنی اینکه امنیت فقط بُعد نظامی دارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹) و امنیت موسع بدین معناست که امنیت فقط بُعد نظامی ندارد، بلکه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی هم دارد. (یوزان، ۱۳۸۵) نکته مهم در اینجا اینکه در هر دو دیدگاه، ابعاد ترسیم شده برای امنیت، این جهانی و دنیایی است؛ در

حالی که از دیدگاه اسلام، ابعاد امنیت، تعالی یافته است؛ یعنی هم دنیوی و این جهانی است و هم اخروی، زیرا اصل ارسال رُسل برای این است که دنیای مردم به مثابه مزرعه آخرت مدیریت شود. تزکیه، تعلیم و برقراری عدالت هم در این راستا قرار دارد. تربیت دینی باعث می‌شود عدالت توسط مردم برقرار شود: «لِيقوم الناس بالقسط». (حدید، آیه ۲۵) همچنین عدالت و داوری عادلانه، که از اهداف انبیاست، از ابزارهای اصلی تأمین امنیت است: «لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ». (بقره، آیه ۲۱۳)

به لحاظ فلسفی نیز می‌توان ابعاد امنیت در اسلام را توضیح داد. در حکمت متعالیه گفته می‌شود: «انسان جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء است». (ملاصدرا، ۱۳۸۳) مضمون این قاعده در قالب یک مثال چنین است: آب می‌تواند بخار شود، یخ بزند و سیال باشد. این یخ است که تغییر وضعیت می‌دهد و آب می‌شود. اگر آب بخواهد بخار شود باید حرارت داده شود و از یک درجه هر قدر به بالاتر برود، به بخار شدن نزدیک‌تر می‌شود. انسان نیز این‌گونه است. با استفاده از این تنظیم می‌گوییم بدن و جسم به مثابه یخ است. بعد مرحله تزکیه و تعلیم است: «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»؛ مرحله بعد مرحله لقاءالله و قرب الهی است. خواجه عبدالله انصاری که در منازل السائرین صد منزل بر اساس صد آیه آورده است. وی می‌گوید سیر انسان از خود به خدا صد منزل دارد، انسان هر کدام را طی کند بالا می‌آید و به قرب الهی نزدیک‌تر می‌شود. حدیث جنود عقل و جهل می‌گوید اگر انسان طالب لقاءالله است، باید جنود عقل را در وجود خودش بیشتر کند. حال اگر انسان عقب‌گرد کرد و هوای نفس بر او غلبه کرد، یخ می‌زند؛ یعنی گرفتار دنیا و طبیعت و جسم می‌شود. در پایان حدیث جنود عقل و جهل آمده است: فقط انبیا و جانشینان انبیا و مؤمنان قبول شده در آزمون‌های الهی از همه جنود عقل برخوردارند، اما دیگران باید تلاش‌شان این باشد که تعداد بیشتری از این اوصاف را در درون خود نهادینه کنند. لازمه این امر آن است که اتصاف به این جنود و نیز سیر این منازل را طولی ببینیم نه عرضی. (امام خمینی، ۱۳۷۷ الف، ج ۳) بر این اساس ابعاد امنیت را متعالی می‌دانیم. بنابراین در امنیت متعالیه هم به دنیا توجه می‌شود؛ اما در تعارض بین دنیا و عقبا همیشه ارزش‌های معنوی بر ارزش‌های مادی مقدم داشته می‌شود. در محورهای بعدی این بحث بازتر خواهد شد.

### مرجع امنیت

«مرجع امنیت» اگر به شکل مطلق گفته شود، یعنی چیزی که مسلمانان به خاطر آن حاضرند از همه امنیت‌های دیگر مثل امنیت اقتصادی و جانی بگذرند، لذا مرجع امنیت، «اسلام» است. در شرایط عادی، امنیت اقتصادی برای مسلمانان مهم است؛ اما در شرایط



تزامم جان مسلمان با مال او، جان مهم است، و در صورتی که سرزمین اسلامی در خطر باشد، مسلمانان جان خود را برای سرزمین اسلام فدا می‌کنند یا اگر جان امام در خطر باشد، مسلمانان جان خود را به خطر می‌اندازند که جان امام محفوظ بماند. اگر اصل اسلام به خطر بیفتد و تنها راه نجات اسلام در این باشد که امام جان خود را به خطر بیندازد و یا از جان خود بگذرد، به تعبیر امام حسین (ع): «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ أذْ قَدْ بُلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدٍ» (ابن‌طاوس، ۱۳۸۶: ۱۱)، عاشقانه جان خود را فدای اسلام می‌کند و عاشورا به وجود می‌آید، چون اگر اسلام از بین رود، راه بر امنیت مسلمانان بسته می‌شود.

خدا تنها جایی که قول داده که من خود، امنیت آن را حفظ می‌کنم قرآن است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر، آیه ۹) و تنها جایی که خدا پیامبر (ص) را تهدید می‌کند که شاه‌رگ تو را در صورت کم یا زیاد کردن قطع می‌کنم، درباره کلام وحی و قرآن است: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ». (الحاقه، ۴۶-۴۴) پیامبر (ص) خیلی برای خدا عزیز است و عقل کل است و نور آن حضرت «اول ما خلق الله» است، ولی خداوند متعال می‌فرماید اگر چیزی را که به تو وحی نشده، به من نسبت دهی شاه‌رگ تو را قطع می‌کنم. خداوند متعال می‌فرماید پیامبر (ص) هیچ‌گاه چنین کاری نمی‌کند: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى». (نجم، ۳) ولی این را برای مسلمانان می‌گوید. مرجع، آن چیزی است که همه باید تابع آن باشیم و از همه چیز خود برای او بگذریم و آن اسلام است.

حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. اگر بنا باشد که روحانیون کنار بروند و همین گاهی با یک قلمی - فرض کنید که - اشکالات را بگویند و در رفع اشکالات کوشش نکنند و خطبا در منابر خودشان، مسائل روز را فراموش کنند و مسائل انقلاب را فراموش کنند، این انقلاب صدمه خواهد دید. اسلام به دست روحانیون تا حالا زنده ماند [ه]. هیچ قشری، هیچ قشری در این مسئله دخالت نداشته است، جز خود روحانیون و خطبایی که در دنباله آنها بودند. از صدر اسلام تا حالا، اسلام به دست اینها به اینجا رسیده است. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۳۰)

## سطح امنیت

در اسلام، سطح خرد امنیت، یعنی انسان، از اهمیت اساسی برخوردار است؛ زیرا سازنده امنیت در سطوح بعدی، یعنی سطوح خانوادگی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، انسان است. برای پرهیز از سوءفهم تعمداً به جای اصطلاح «فرد» از «انسان» استفاده می‌کنیم. در قرآن می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، آیه ۲۱) و نیز «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ». (انشقاق، آیه ۶) در این آیات، خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» و «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» است. دین اسلام برای سعادت و امنیت انسان آمده است تا انسان را به سرمنزل مقصود برساند. اسلام متناسب با سطوح و لایه‌های وجودی انسان سه بخش دارد: «اصول دین» برای تنظیم باورهای انسان، «اخلاق» برای تهذیب نفس و «فقه» برای تنظیم رفتار انسان.

با توجه به آنچه آمد، امنیت سه سطح و لایه دارد:

۱. سطح فکری، اعتقادی، فلسفی و کلامی امنیت که از آن با عنوان حوزه مبانی، باور و بیش‌های امنیتی یاد می‌کنیم؛
۲. سطح قلبی - اخلاقی امنیت که از آن با عنوان حوزه تربیت، انگیزه و گرایش‌های امنیتی یاد می‌کنیم؛
۳. سطح ظاهری، فقهی، دنیایی و مادی امنیت که از آن با عنوان حوزه رفتارها و کنش‌های امنیتی یاد می‌شود.

نامنی و تهدید نیز با همین سه سطح تعریف و سطح‌بندی می‌شود:

۱. تهدیدهای مربوط به حوزه باورها؛
۲. تهدیدهای مربوط به حوزه گرایش‌ها؛
۳. تهدیدهای مربوط به حوزه رفتارها.

## دوست و دشمن

مفاهیمی همچون «الله»، «طاغوت»، «مؤمن»، «کافر»، «منافق»، «فاسق»، «اشداء علی الکفار»، «رحماء بینهم» و سایر مفاهیمی از این دست در قرآن کریم، درباره دوست و دشمن یا خودی و غیرخودی است و در مورد هر کدام مرزهایی وجود دارد؛ مثلاً خدا در سوره ممتحنه (آیات ۹ و ۸) کفار را دو نوع معرفی کرده است: کفاری که به خاطر دین‌تان با شما می‌جنگند و شما را از سرزمین‌تان اخراج می‌کنند، که اینها دشمن شما هستند، ولی کفاری که با شما این دشمنی‌ها را ندارند و با شما بر اساس عدالت رفتار می‌کنند که شما می‌توانید با آنها بر اساس عدالت رابطه داشته باشید:

اما خدا شما را از ارتباط داشتن با کسانی که به خاطر دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، نهی نمی‌کند؛ با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در کار دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندن‌تان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگرانند. (ممتحنه، آیه ۹۸)

یک نکته مبنایی در نظریه امنیت اسلامی در بحث خودی و غیر خودی، این است که در تفکر اسلامی پیش از آنکه خودی و غیر خودی را در بیرون از خودمان رصد کنیم، شایسته و بلکه ضروری است که آنها را در خودمان رصد نماییم. طبق چارچوب نظری مقاله، اگر فطرت محجوبه بر وجود انسان ریاست بیابد، چون وجود انسان جولانگاه جنود جهل می‌شود، نفس انسان، تهدید و تولیدکننده ناامنی می‌شود و اگر فطرت مخموره حاکم شود اتفاق عکس می‌افتد. بر همین اساس است که در متون دینی بر مراقبت از نفس تأکید شده است. حدیث بسیار پرمحتوایی در زمینه «نفس» و ابعاد و وجوه مختلف آن از حضرت ختمی مرتبت(ص) رسیده است که توجه به آن در این بحث بسیار مهم است:

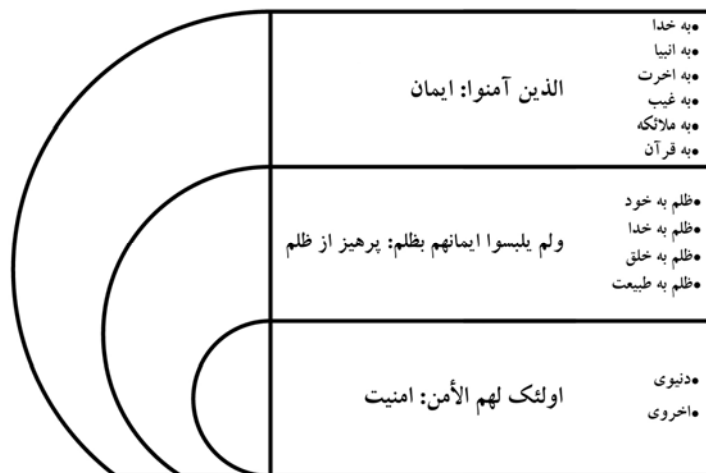
رُویَ فِی بَعْضِ الْأَخْبَارِ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ (ص) رَجُلٌ اسْمُهُ مُجَاشِعٌ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ: كَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ الْحَقِّ؟ فَقَالَ (ص): مَعْرِفَةُ النَّفْسِ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى مُوَافَقَةِ الْحَقِّ؟ قَالَ: مُخَالَفَةُ النَّفْسِ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى رِضَا الْحَقِّ؟ قَالَ: سَخَطُ النَّفْسِ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى وَصْلِ الْحَقِّ؟ قَالَ: هَجْرُ النَّفْسِ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى طَاعَةِ الْحَقِّ؟ قَالَ: عَصِيَانُ النَّفْسِ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى ذِكْرِ الْحَقِّ؟ قَالَ: نَسْيَانُ النَّفْسِ؟ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى قُرْبِ الْحَقِّ؟ قَالَ: التَّبَاعُدُ مِنَ النَّفْسِ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى أُنْسِ الْحَقِّ؟ قَالَ: الْوَحْشَةُ مِنَ النَّفْسِ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى ذَلِكَ؟ قَالَ: الْإِسْتِعَانَةُ بِالْحَقِّ عَلَی النَّفْسِ؛ (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷: ۷۳)

روایت شده که شخصی به نام مجاشع بر رسول خدا(ص) وارد شد و عرضه داشت: یا رسول‌الله راه شناخت حق چیست؟ فرمود خودشناسی و معرفت نفس. عرض کرد: راه متابعت و پیروی از حق چگونه است؟ فرمود: مخالفت نمودن با خواسته‌های نفس. عرضه داشت: راه به دست آوردن رضایت و خشنودی حق چیست؟ فرمود: دشمن داشتن و بدبینی به نفس. عرضه داشت: راه رسیدن

به حق چیست؟ فرمود: دوری کردن از نفس. عرضه داشت: راه اطاعت و فرمانبری از حق چیست؟ فرمود: عصیان و نافرمانی نفس. عرضه داشت: راه در یاد حق بودن چیست؟ فرمود: فراموش کردن نفس. عرضه داشت: راه نزدیک شدن به حق چیست؟ فرمود: فاصله گرفتن و دور شدن از نفس. عرضه داشت: راه آشنایی و مأنوس بودن با حق چیست؟ فرمود: وحشت داشتن از نفس و بیگانه شدن با او. عرضه داشت: راه بیگانه شدن از نفس چگونه است؟ فرمود: استمداد و یاری خواستن از حق برای سرکوبی نفس.

### روش‌های تحصیل امنیت

مهم‌ترین روش و ابزار تولید و حفاظت از امنیت تولید شده «ایمان» به اضافه پرهیز از ظلم و نیز دعوت دیگران به این امر است، چیزی که در قرآن کریم از آن به عنوان دعوت به «سبیل رب» یاد شده است.

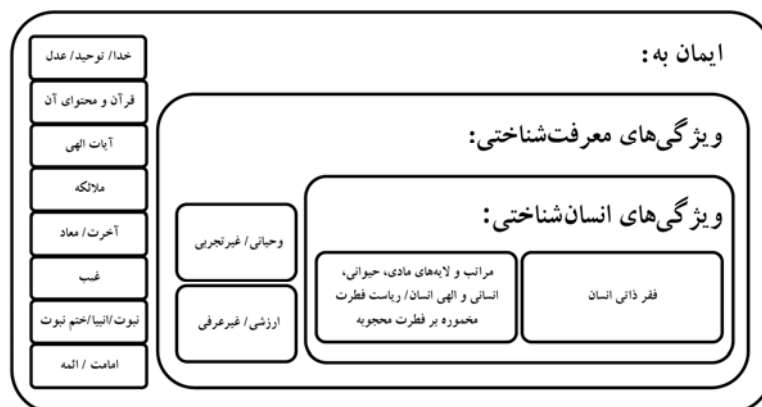


برخلاف عالمان که ممکن است عامل به علمشان نباشند، عمل مؤمن تجلی ایمان اوست. طبق فرمایش قرآن کریم، امنیت، فقط محصول علم نیست، بلکه محصول ایمان و عمل است. رفتار انبیا و اوصیا و اولیا تجلی ایمانشان است؛ یعنی تجلی رفتار امنیتی مؤمن که مبارزه و اجتناب از طاغوت درونی و بیرونی است. لذا علم، به تنهایی، امنیت‌ساز نیست، چون دانشمند متعهد به خدا نیست. برخلاف مؤمن که متعهد به خداست. لذا ترسیم نقشه ایمان (در برابر نقشه کفر) از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. کاری که رهبران الهی

و عالمان متعهد اسلامی به آن توجه ویژه داشته‌اند (برای نمونه همین حدیث جنود عقل و جهل از امام صادق(ع) و یا کتاب منازل السائرین از خواجه عبد الله انصاری).

متعلقات‌های ایمان، تماماً امور غیبی است و لذا تنها منبع برای کشف و فهم آنها وحی و سخن معصوم است. ایمان به خدا، غیب، قرآن، کتاب، آیات الهی، انبیا، ملائکه، آخرت و معاد از مهم‌ترین متعلقات ایمان است. ایمان به خدا، اعتقاد راستین به هزار اسم خدا در دعای جوشن کبیر، از قبیل ایمان به قادر بودن، عادل بودن و مؤمن بودن و... و دیگر اسما و صفات خداست. ممکن است برای هدایت و امنیت یک فرد، یک اسم معجزه کند. ایمان به کتاب، ایمان به وحی، فروع دین(فقه) و نظام فضایل و رذایل است. همه اینها مستلزم آگاهی به کتاب است. ایمان به ملائکه یعنی ایمان به جبرئیل، عزرائیل، اسرافیل، میکائیل و وظایف آنان. ایمان به انبیا یعنی ایمان به آدم، نوح، ابراهیم، موسی و... تا حضرت محمد(ص) و کشف و بهره‌گیری از راهبردهای هر نبی (از جمله راهبرد امنیتی) به عنوان اسوه و الگو، بر اساس آنچه در قرآن و سنت آمده است. لازمه ایمان به نبی و کتاب و... ایمان به ائمه(ع) هم هست. هر یک از ائمه با توجه به شرایطی که در آن قرار داشته‌اند، راهبرد ویژه‌ای را در پیش گرفته‌اند. شاخص‌ها و سربازان ایمان و کفر همان جنود عقل و جهل است و میوه آن، «رساله حقوق» امام سجاد(ع) است. ایمان به آخرت ایمان به ثواب و عقاب و بهشت و جهنم و... است. امروز همه متعلقات ایمان مورد هجوم دشمن است و این معنای جنگ نرم و ناتوی فرهنگی است. آیات ایمان و عمل صالح هم در قرآن فراوان ذکر شده است. (برای نمونه: آل عمران، ۱۷۳؛ انفال، ۲؛ توبه، ۱۲۴؛ احزاب، ۲۲؛ فتح، ۴)

آنچه گفته شد، در نمودار زیر آمده است:



اندیشه راهبردی و امنیت‌ساز اسلام، براساس لایه‌های سه‌گانه‌ای که برای انسان قائل است، یعنی عقل، قلب و ظاهر، (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۸۶) در سه بخش قابل طبقه‌بندی است:

۱. راهبردهای سیاسی - اعتقادی: همچون، رهبری الهی و توحیدمحوری، معاد باوری، توکل، تقدم ارزش‌های معنوی بر ارزش‌های مادی.

۲. راهبردهای سیاسی - اخلاقی: همچون، عزت‌مداری، ساده‌زیستی، تواضع، حفظ نظام با اخلاق، صدور انقلاب با اخلاق، ولایت فقیه، قانون محوری، رعایت حق الناس، تکلیف‌گرایی، تربیت مؤمن فعال، زندگی با برنامه و نظم، استقامت در راه حق، خودباوری، اصالت خانواده به عنوان کانون اصلی محبت.

۳. راهبردهای فقهی - حقوقی: همچون، خدمت به مردم، مردم‌گرایی، مشارکت حداکثری مردم در اداره مملکت، راهبرد زندگی توأم با عزت، راهبرد جهادی زندگی کردن (اعم از جهاد اکبر، جهاد کبیر، جهاد افضل و جهاد اصغر)، استقلال و خودکفایی، عدم ورود دولت در آنچه مردم توان ورود به آن را دارند، استفاده از تولیدات داخلی، اعتماد به مردم، قاطعیت، وفای به عهد، حمایت از مستضعفان و مقابله با سلطه، آزادی‌خواهی و مبارزه با دیکتاتوری و استبداد و عدالت‌خواهی در سطح نظام سیاسی، در سطح قوانین، در سطح کارگزاران، در سطح ساختارها و در سطح رفتارها.

راهبردهایی که به عنوان نمونه ارائه شد، مهم‌ترین راهبردهای امنیت‌ساز اسلام است.

(رک: امام خمینی، مجموعه آثار امام خمینی)

همان‌طور که گفته شد، انسان از سه لایه وجودی برخوردار است: لایه عقلی، لایه قلبی و لایه ظاهری. لایه عقلی، نظام باورها را شکل می‌دهد؛ لایه قلبی، نظام گرایش‌های انسان را دربردارد؛ و لایه ظاهری، ظرف ظهور رفتارهاست. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۸۶) این سه لایه ارتباط وثیقی با هم دارند. همین مسئله باعث می‌شود رفتارهای انسان، که متعلق به لایه ظاهری است، نشان‌دهنده وضعیت گرایش‌ها و باورهای وی باشد؛ از این رو اگر دیدیم در یک جامعه‌ای مردم و حاکمان، واجد رفتارهایی هستند که نتیجه‌اش در پذیرش ظلم و سلطه و در نتیجه تولید ناامنی خود را نشان داده است، باید بدانیم که در نظام باورها و گرایش‌های خود با باورها و گرایش‌هایی خو گرفته‌اند که چنین رفتارهایی را صحنه می‌گذارد؛ از این رو در روش‌های تحصیل امنیت، حرکت بیدارسازی مردم باید در این سه لایه صورت گیرد. کاری که در سیره رهبران الهی از پیامبر اسلام (ص) تا امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری قابل مشاهده است. اصلاح نظام باورهای ملت ایران از سوی امام خمینی به معنای عمل به آیاتی از قبیل «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا؛ هیچ‌گاه خداوند راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مسلمانان قرار نداده است» (نساء، آیه ۱۴۱) بود. از توحید تا

معاد و از نبوت تا امامت زنده شدند و ولایت فقیه امری شد که تصورش موجب تصدیق می‌شود.

#### سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره پنجم
- تابستان ۹۳

امنیت متعالیه  
(۷ تا ۲۸)

در حوزه فضائل و رذائل، حضرت امام در مباحث اخلاقی خود بر این مطلب پافشاری کرده‌اند که اگر می‌خواهید انسان کامل بشوید، باید با موانع کمال مبارزه کنید. موانع یا درونی است و یا بیرونی. موانع بیرونی عبارت است از استبداد و استکبار. بنابراین همان‌طور که نظام باورها از طریق لزوم اجتناب از طاغوت مبارزه با نظام سلطه را واجب می‌ساخت، نظام گرایش‌ها هم از طریق لزوم مبارزه با موانع بیرونی کمال، به وجوب مبارزه با نظام سلطه و تولید امنیت برای امت اسلامی می‌رسید.

حوزه رفتارها حوزه و قلمروی است که فقه تکلیفش را مشخص می‌کند. امام خمینی در مقام فقیه جامع‌الشرایط، در این حوزه پیشتاز بود؛ از فتوای به حرمت اطاعت از نظام طاغوت تا وجوب امر به معروف و نهی از منکر، از فتوای به مبارزه با ظالمان تا وجوب تلاش برای تأسیس حکومت اسلامی.

با توجه به آنچه آمد، روش‌های تأمین امنیت، در تمامی سطوح ملی، جهان اسلام و نظام بین‌الملل از مسیر تربیت انسان می‌گذرد. در اینجا برای هر یک از سطوح توضیح مختصری داده می‌شود.

الف) در سطح ملی لازم است از فرهنگ اسلامی در سه سطح نظام باورها، نظام گرایش‌ها و نظام رفتارها، اولاً حفاظت کنیم، ثانیاً آن را به نسل‌های جدید منتقل کنیم، ثالثاً در به‌روز کردن و ارائه آن در قالب‌های مختلف بکوشیم و رابعاً در برابر ناتوی فرهنگی دشمن به تهاجم فرهنگی دست بزنیم.

ب) در سطح جهان اسلام شایسته است این راهبرد فرهنگی را در اولویت قرار دهیم و در سطوح سه‌گانه باورها، گرایش‌ها و رفتارها، با تکیه بر مکتب حیات بخش اسلام، مشترکات فراوانی را که داریم برجسته سازیم. وحدت امت اسلامی و راهبرد همزیستی مذاهب اسلامی از پیش‌شرط‌های مبارزه موفقیت‌آمیز با نظام سلطه و تأمین امنیت امت اسلامی است. مبارزه با طاغوت در حوزه باورها، مبارزه با موانع کمال در حوزه گرایش‌ها و تکلیف شرعی نفی ظلم و ستم در حوزه رفتارها نقاط مشترک تمام مسلمین است.

ج) در سطح جهانی، تولید امنیت، بنا به دلایلی که روشن است، سخت‌تر به نظر می‌رسد. اما آنچه این مبارزه را آسان می‌کند، عبارت است از عمل به تکلیف، امید به خدا، توکل و اعتقاد به اینکه همه چیز در ید قدرت اوست. در سطح باورها همچنان شایسته است بر مبدأ و معاد و رهبری الهی، به عنوان باور جهانی، که مورد تأکید همه ادیان الهی است، تأکید شود. در ساحت گرایش‌ها باید بر رعایت اخلاق و مبارزه با ظلم و ستم و

بی‌عدالتی پافشاری کنیم و در سطح رفتارها، باید رفتارهای ظالمانه را تبیین کنیم. بیداری مردم جهان، یگانه راه مبارزه با نظام سلطه و تولید امنیت از نظر اسلام است که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأَنفُسِهِمْ» (رعد، آیه ۱۱) خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آنها تغییراتی در خود ایجاد کنند.

آنچه گفته شد راهبردی است که خروجی آن «انسان دین‌دار»، «خانواده دین‌دار»، «جامعه دین‌دار» و «حکومت دین‌دار» می‌شود. رسیدن به این نتایج و تداوم آنها در گرو راهبرد دیگری است که به زبان دینی می‌توانیم نام آن را «راهبرد زندگی جهادی» بنامیم. «راهبرد زندگی جهادی» در چهار سطح و لایه به ترتیب زیر باید نهادینه شود:

۱. جهاد اکبر: موضوع جهاد اکبر نفس انسان است. جهاد اکبر به مبارزه با بنیادها و ریشه‌های تولید ناامنی، یعنی خودخواهی، روحیه استکباری و سلطه‌گری می‌پردازد. از نگاه اسلام، تهدید و ریشه‌های آن، تماماً در وجود و درون خود انسان لانه کرده است، پس ایمن‌سازی هم باید از آنجا شروع شود. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» (انعام، آیه ۸۲) با توجه به این آیه «ایمان» در کنار پرهیز از «ظلم» از روش‌های اصلی تحصیل امنیت است. این ظلم انواعی دارد که تمامی انواع ناامنی‌ها را دربر می‌گیرد. از امام باقر(ع) نقل شده است که فرموده‌اند: «الظلم ثلاثة ظلمٌ يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَ ظلمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَ ظلمٌ لَا يَدْعُهُ اللَّهُ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ فَالشِّرْكُ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ فَظُّلْمُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدْعُهُ فَالْمُدَايَنَةُ بَيْنَ الْعِبَادِ». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۳۱)

چنان که از امیرالمؤمنین علی(ع) نقل شده که دین حق، شرط لازم تأمین امنیت است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) مَنْ اسْتَحْكَمَتْ لِي فِيهِ خَصَلَةٌ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ احْتَمَلْتُهُ عَلَيْهَا وَ اغْتَرَفْتُ فَقَدْ مَا سِوَاهَا وَ لَا اغْتَرَفْتُ فَقَدْ عَقَلٌ وَ لَا دِينٌ لِأَنَّ مُفَارَقَةَ الدِّينِ مُفَارَقَةُ الْأَمْنِ فَلَا يَتَهَنَأُ بِحَيَاةٍ مَعَ مَخَافَةٍ وَ فَقَدْ الْعَقْلُ فَقَدْ الْحَيَاةُ وَ لَا يُقَاسُ إِلَّا بِالْأَمْوَاتِ؛ (همان، ج ۱، کتاب العقل و الجهل: ۲۸ و ۲۷) کسی را که آگاه شوم بر یکی از صفات خوب استوار است، بپذیرم و از نداشتن صفات دیگرش بگذرم، ولی از نداشتن عقل و دین چشم نمی‌پوشم، زیرا جدایی از دین جدایی از امنیت است و زندگی با هراس گوارا نیست و فقدان عقل فقدان زندگی است (زیرا بی‌خردان) فقط با مردگان مقایسه شوند.

ریشه سلطه‌طلبی‌ها برمی‌گردد به نزاعی که در درون انسان وجود دارد. در صورتی که بر مملکت وجود انسان هواهای نفسانی حاکم شود، بر مملکت بیرون هم طاغوت حاکم



می‌شود و اگر انسان بخواهد از شرّ طاغوت‌های بیرونی رهایی یابد، باید اول با طاغوت درون مبارزه کند. این پیام همه انبیای الهی بوده است که: «ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت؛ خدای یکتا را پرستید و از طاغوت اجتناب کنید» (نحل، آیه ۱۶) و این تنها موعظه خداوند متعال به بشر است که «قل إِنَّمَا اعْظَمُكُمْ بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادِي؛ به آنها بگو: من تنها شما را به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه برای خدا قیام کنید، دو نفر، دو نفر، یا یک نفر، یک نفر». (سبا، آیه ۴۶) چاره بحران معنویت حاکم بر جهان کنونی، که پیوسته از سوی نظام سلطه و با ابزارهای رسانه‌ای و نیمه رسانه‌ای فراوان تشدید می‌شود، جهاد اکبر است.

انسان تنها موجودی است که به خود صدمه می‌زند، ولی به دنبال دشمن بیرونی می‌گردد. حدیثی هست که امام معصوم از غیر معصوم نقل کرده است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي ذَرٍّ يَا أَبَا ذَرٍّ أَطْرَفَنِي بِشَيْءٍ مِنَ الْعِلْمِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَنْ الْعِلْمَ كَثِيرٌ وَلَكِنْ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ لَا تُسَيِّئَ إِلَيَّ مِنْ تَحِيَّهِ فَافْعَلْ فَقَالَ هَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا يُسَيِّئُ إِلَيَّ مِنْ يُحِبُّهُ فَقَالَ نَعَمْ نَفْسُكَ أَحَبُّ الْإِنْفُسِ إِلَيْكَ فَإِذَا عَصَيْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ أَسَأْتَ إِلَيْهَا؛ (دیلمی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۸۴) حضرت اباعبدالله امام صادق (ع) فرمود: مردی به ابوذر نوشت که چیزی از علم خداشناسی برای من حدیث کن. سپس ابوذر به سوی او نوشت: دانش فراوان است، ولی اگر تو قدرت داشته باشی به کسی که دوست داری به او بدی نکنی این کار را انجام ده. سپس عرض کرد: مگر کسی را که به دوستش بدی کند دیده‌ای؟ ابوذر فرمود: آری، نفس تو دوست‌ترین نفس‌هاست برای تو، پس هر گاه نافرمانی خدا را کنی، مسلم به نفست بدی کرده‌ای.

در قرآن کریم می‌خوانیم کسی که ایمان آورده است و بر اصلاح امور خود مراقبت دارد، خوف و حزن از او برداشته شده است: «فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَاخَوْفٍ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (انعام، آیه ۳۸)

اگر مردم الهی باشند، هیچ کس نمی‌تواند برای آنها ناامنی درست کند؛ نه شیطان‌های جنّی و نه شیطان‌های انسی و نه همه مردم، بلکه یک گروه اندک مؤمن هم می‌تواند برای اکثریت جامعه تولید امنیت عمومی کند: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، آیه ۲۴۹) هر چند تولید امنیت فردی را هیچ کس غیر از خود فرد نمی‌تواند برایش ایجاد کند. پرچم اسلام را کسی می‌تواند بر دوش بگیرد که حاضر باشد از مال و حتی جان خود به خاطر اسلام بگذرد.

۲. **جهاد کبیر:** این جهاد عبارت است از رساندن پیام الهی به گوش جهانیان و دعوت کافران به سوی حق. به جهاد کبیر در قرآن تأکید شده است و جای شگفتی و تأسف است که چرا کمتر مورد توجه مسلمانان قرار گرفته است. تنها جهادی که اصطلاح آن در قرآن آمده «جهاد کبیر» است: «فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، آیه ۵۲) و جهاد کبیر در این آیه به معنای مبارزه و اقدامات فرهنگی است، یعنی ای پیامبر (ص) با این قرآن با مشرکان جهاد کن. اصل دعوت در جهاد کبیر است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». (نحل، آیه ۱۲۵) دعوت به روش فرهنگی است. در واقع تنها راه رسیدن به امنیت، خروج از تاریکی و ورود به نور است که آن هم در سایه سار هدایت الهی تحقق می‌یابد.

الله ولیّ الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات؛ (بقره، آیه ۲۵۷) خداوند فرمانروای کسانی است که ایمان آورند؛ آنها را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج می‌سازد، و کسانی که کفر ورزیدند، فرمانروایان‌شان طاغوت و سرکشان است؛ (که) آنها را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند.

وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی ولا یشرکون بی شیئاً؛ (آل عمران، آیه ۱۹ و ۸۵) خداوند به آنان که از شما ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که آنها را جانشین خود در زمین قرار خواهد داد و البته دینی را که برای آنها برگزیده، مستقر خواهد ساخت و حتماً به آنها پس از بیم و هراس و ناامنی‌شان، امنیت خواهد بخشید که از آن پس تنها خدا را پرستش کنند و غیرخدا را شریک خدا قرار ندهند.

۳. **جهاد افضل:** پس از فردسازی (که با جهاد اکبر انجام می‌شود) و فرهنگ‌سازی (که با جهاد کبیر انجام می‌شود)، نوبت مبارزات سیاسی و تشکیل نظام سیاسی اسلامی است. جهاد افضل، مبارزات و اقدامات سیاسی است: اصل حدیث از پیامبر اعظم (ص) نقل شده است که فرمود: «إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ عَدْلٌ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۶۰) مضمون این فرمایش از دیگر ائمه اطهار (ع) نیز نقل شده است.

۴. **جهاد اصغر:** اگر همه انسان‌ها به دستورهای خدا عمل می‌کردند، نیازی به این نوع از جهاد نبود، اما مسئله این است که همه انسان‌ها به آنچه خدا گفته است عمل نمی‌کنند و امنیت دیگران هم توسط آنها تهدید می‌شود. تهدیدهایی از قبیل فتنه و سرکشی داخلی، بغی

و خروج، قطع طریق (راهزنی)، نفاق، تجاوز به اراضی مسلمانان، جنگ غذایی، اقدامات جاسوسی، بر هم زدن آگاهی امنیتی (با شایعات و دروغ‌ها)، شعله‌ور کردن روح نافرمانی داخلی و... در اسلام برای مقابله با منابع تهدید یاد شده راهکارهایی تعبیه شده است. مهم‌ترین راهکار، جهاد اصغر است که در برابر تهدید خارجی مطرح می‌شود.

مظاهر متعددی نشان می‌دهد که جوهر سیاست دینی، امنیت است. سیاست دینی از راه ترکیب میان مبانی اصلی، یعنی آفریدگار به عنوان مدبّر، سیاست‌گذار هستی به لحاظ ربوبیت و الوهیت خود، دین الهی به عنوان عنصر تشریحی، و انسان به عنوان موجودی دارای جسم و روح و هم‌آغوش با دین برای اجرای اراده خدا، و اهداف به عنوان مقاصد تلاش انسان، بهترین تضمین تحقق امنیت در حیات انسان است، زیرا سیاستی که مبتنی بر این مبانی باشد انسان را مدیریت و تدبیر می‌نماید و به زندگی‌ای پاک رهنمون می‌شود.

همچنین از آنجا که سیاست شرعی، زندگی را بر مبنای عدالت سامان می‌بخشد، اجازه برتری‌یابی باطل و رواج فساد را نمی‌دهد و در سایه چنین سیاستی منزلت والای اجتماعی از آن کسانی است که در پی برتری‌جویی و فساد در روی زمین نیستند. عدالت برآمده از سیاست شرعی همان امنیت است و این امنیت هم نتیجه چنان سیاستی است و هم موجب قوام آن. همچنین سیاست شرعی مقتضی نفی سلطه است و هیچ کس حق ندارد مدعی سلطه بر کس دیگری شود و یا سلطه دیگری را تحمل کند؛ زیرا چنین سلطه‌ای تنها از آن خداست. خلاصه سخن اینکه سیاست شرعی از آن رو که انسان را از همه سلطه‌ها - جز سلطه شرع - می‌رهاند، ضامن امنیت اوست. جهاد اصغر جهاد مسلمانان با ابزارهای نظامی در برابر کسانی است که با دین مسلمانان می‌جنگند یا به سرزمین مسلمین طمع می‌ورزند. جامعه اسلامی موظف است این آمادگی را در خود ایجاد کند که اگر نظام سلطه به نظام اسلامی تهاجم کرد، بتواند دفاع کند: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه». (آل عمران، آیه ۱۰۳)

### راهکارهای استراتژیک امنیتی

تغییر وضع موجود با تحقق حکومت جهانی اسلامی در سایه ظهور حضرت مهدی (عج)، حاصل خواهد شد؛ اما تا آن زمان وظیفه داریم به مطلوب مقذور بیندیشیم. مطلوب مقذور با توجه به میزان قدرت در هر عصر و زمانی از سوی رهبر جامعه اسلامی تعیین می‌شود: «لایکلف الله نفساً الاّ وسعها». (بقره، آیه ۲۸۶) در این باره در جای دیگری با عنوان گفتمان‌های تقیه، اصلاح و انقلاب سخن گفته‌ام. روشن است که مکتب اهل بیت (ع) از وضعیت کنونی عالم و به‌ویژه روابط سلطه‌آمیزی که بر آن حاکم است راضی نیست و تا

تحقق حاکمیت عدالت بر سراسر جهان نمی‌تواند آرام و قرار داشته باشد. تفصیل این بحث باید در مکتوب دیگری پیگیری شود.

## نتیجه‌گیری

محور اصلی مقاله حاضر تشریح مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مکتب امنیتی متعالیه و توضیح مبانی نظری آن است. مکتب امنیت متعالیه، به مثابه یک نظریه اسلامی امنیت، مورد توجه است. در این مقاله با رویکرد نظریه‌پردازی و روش استنباطی - استنادی، پاسخ چستی نظریه اسلامی امنیت بررسی و ارائه شد. از نظریه «دو فطرت» به عنوان مبانی مفهومی و نظری مقاله استفاده شد و بر اساس همین نظریه، ویژگی‌های نظریه امنیت متعالیه در محورهای مفهوم امنیت، ابعاد امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت، دوست و دشمن، روش‌های تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی تشریح گردید. در جدول ذیل خلاصه پاسخ‌های مکتب امنیتی متعالیه در مقایسه با پاسخ دیگر مکاتب آمده است.

ردیف	مؤلفه‌های مطرح در نظریه‌ها و مکاتب امنیتی	پاسخ نظریه‌ها و مکاتب امنیتی متدانیه	پاسخ نظریه و مکتب امنیتی متعالیه
۱	مفهوم امنیت	مصونیت «الف» از تعرض «ب» برای نیل به «ج» با نظر داشت و محوریت بقای دنیوی	مصونیت «الف» از تعرض «ب» برای نیل به «ج» با نظر داشت و محوریت بقای ابدی
۲	ابعاد امنیت	مضیق / موسع (فقط دنیا)	متعالی (دنیا و عقبیا)
۳	مرجع امنیت	رژیم / دولت / جامعه / فرد	اسلام
۴	سطح امنیت	بین‌المللی / منطقه‌ای / ملی / اجتماعی	انسان در همه سطوح عقلی، قلبی، جسمی، فردی، خانوادگی، ملی، منطقه‌ای و جهانی
۵	دوست و دشمن	مبتنی بر منافع دنیوی (نژادی، قومی، ملی و ...)	مبتنی بر دستورهای الهی و اجتناب از طاغوت (الله و طاغوت)
۶	روش‌های تحصیل امنیت	زور / اقتدار / سلطه / اغواء / اغفال / اقتناع / تطمیع / تهدید	ایمان + عمل صالح (پرهیز از ظلم) + دعوت + جهاد (اکبر، کبیر، افضل و اصغر)
۷	راهکارهای استراتژیک امنیتی	تقدیم ارزش‌های مادی و دنیوی بر ارزش‌های الهی و معنوی: چه در حفظ وضع موجود / تغییر وضع موجود / چه در جنگ / صلح / دفاع	تقدیم ارزش‌های الهی و معنوی بر ارزش‌های مادی و دنیوی: چه در حفظ وضع موجود / تغییر وضع موجود / چه در جنگ / صلح / دفاع

۱. ابن طاووس (۱۳۸۶)، *اللاهوف علی قتلی الطفوف*، ترجمه مهدی رضایی، مشهد.
۲. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۷ الف)، *تقریرات فلسفه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۳.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷ ب)، *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. \_\_\_\_\_ (بی تا)، *نرم/فزار مجموعه آثار امام خمینی*، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (مباحث صحیفه امام از همین نرم افزار استفاده شده است).
۶. انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۷۲)، *منازل السائرین*، قم، بیدار.
۷. بوزان، باری و دیگران (۱۳۸۶)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. جمعی از مؤلفان (۱۳۸۱)، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، گردآوری و ترجمه اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *شریعت در آینه معرفت*، قم، اسراء، چاپ سوم.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، *روابط بین الملل در اسلام*، قم، اسراء.
۱۱. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۸۴)، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۹)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه های امنیت*، مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۱۴. قرآن کریم.
۱۵. کلینی، محمد بن محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، ۸ جلد، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۶. لک زایی، شریف (۱۳۸۷-۱۳۹۱)، *سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه*، سه دفتر مجموعه نشست ها و چهار جلد مجموعه مقالات، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ترجمه موسوی همدانی.
۱۸. محمودی، علی (۱۳۸۴)، *فلسفه سیاسی کانت: اندیشه سیاسی در گستره فلسفه نظری و فلسفه اخلاق*، تهران، نگاه معاصر.
۱۹. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۲)، *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، اشراف: محمد خامنه ای، تصحیح و تحقیق و مقدمه: مصطفی محقق داماد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، اشراف: محمد خامنه ای، تصحیح و تحقیق و مقدمه: غلامرضا اعوانی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۱. منجود، مصطفی محمود (۱۹۹۶)، *الابعاد السیاسیه لمفهوم الامن فی الاسلام*، قاهره، المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

۲۲. نهج البلاغه.
۲۳. فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه (۱۳۹۲)، قم، انجمن مطالعات سیاسی حوزه، ش ۱، قم.
۲۴. کیخا، نجمه (۱۳۸۵)، «دائرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع). ش ۳۳.
۲۵. لک زایی، نجف (۱۳۸۹)، «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی، ش ۴۹.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی، ش ۵۰.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، «امنیت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، فصلنامه علمی پژوهشی اسراء، ش ۷.
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، «دلالت‌های امنیتی انسان‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی»، فصلنامه علمی پژوهشی اسراء، ش ۹.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، «دیدگاه امنیتی شیعه با تأکید بر اندیشه آیت‌الله شهید بهشتی»، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، ش ۴۱.